

خاطره ای شگرف از

حجره آیت الله شیخ عبدالرحیم قمی رحمته الله

امین شیرازی

آیت الله شیخ عبدالرحیم قمی، یکی از عالمان بافضیلت و فقیهان ذی فنون کربلا بود. او فرزند علی بن عبدالکریم قمی حائری است و در سال ۱۳۲۰ قمری به دنیا آمد. به سال ۱۳۵۰ قمری به کربلا آمد و در درس بزرگان حوزه، حضرات آیات حاج آقا حسین قمی، شیخ یوسف خراسانی، میرزا مهدی شیرازی، شیخ محمد شاهرودی و سید نورالدین جزائری حاضر شد و از مکتب علمی آن اساطین فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام بهره مند گردید.

شیخ عبدالرحیم قمی در مدارس معروف کربلا همچون مدرسه حسن خان، مدرسه بقعه و مدرسه حسینه به تدریس اشتغال داشت و تعداد زیادی از طلاب در درس وی حاضر می شدند. برخی از شاگردان وی عبارتند از: سید احمد خاتمی خراسانی، شیخ اسدالله دانیال، سید صادق شیرازی، شیخ عباس حائری، شیخ عبدالرضا صافی، سید علی نقی طبسی، سید فضل الله روحانی، سید محمد جلالی، سید محمد طباطبائی، شیخ محمد مجاهد، سید محمد جواد جلالی، شیخ محمد حسن نائینی، شیخ محمد رضا حکیمی، سید محمد رضا جلالی، شیخ محمد علی داعی الحق و سید محمد علی طبسی.

شیخ عبدالرحیم در مسجد «حاج صالح عوز» به اقامه نماز جماعت می پرداخت. او حجره‌ای در مدرسه حسن خان داشت که معروف و زیانزد بود^۱ و در کنار حجره مرحوم آیت‌الله حاج شیخ هادی شیرازی حائری، از مدرسان حوزه علمیه کربلا قرار داشت. آیت‌الله سید صادق روحانی خاطره شگفتی از این حجره نقل کرده است^۲ که بدان اشاره می شود.

آیت‌الله قمی در روز دوشنبه ۱۶ صفر سال ۱۳۹۴ قمری دارفانی را وداع گفت و در کربلا، در همان مسجدی که اقامه نماز می کرد، مدفون گشت. از وی آثار متعددی به یادگار مانده است؛ از جمله: الاحادیث والاخبار، الرد علی الشیخیه، الرد علی المسیحیه، عقائد الشیعه و فضائل امیر المؤمنین علیه السلام.^۳

آیت‌الله سید صادق روحانی می گوید:

مرحوم شیخ عبدالرحیم قمی را می شناختم. او بسیار خوب بود. در مدرسه حسن خان کربلا حجره داشت؛ آن حجره هم حجره عجیبی بود. معروف بود که آنجا محل افتادن حضرت سیدالشهداء علیه السلام از اسب بر روی زمین بوده است. کسی از طلاب حاضر نمی شد در آن حجره زندگی کند. علتش هم این بود که نیمه هر شب صدای ضجه، گریه و نوحه در آنجا به گوش می رسید؛ بدون آن که کسی در آنجا دیده شود! ولی مرحوم شیخ عبدالرحیم قمی در آن حجره استقرار یافت. هر شب وقتی صدای نوحه و گریه بر امام حسین علیه السلام را در آن حجره می شنید، او هم برمی خاست و همنوای با ایشان می شد و خودش هم نوحه و روضه و چند بیت شعر در عزای حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می خواند. وقتی چنین می کرد، دیگر صداها خاموش می شد. شیخ عبدالرحیم قمی اجازه نمی داد کسی در آن حجره شوخی و خنده کند و اگر کسی رعایت نمی کرد، او را با عصای خود از حجره بیرون می راند!^۴

پی‌نوشت‌ها:

۱. مرحوم آقای حاج محمدحسن، فرزند آیت‌الله حاج شیخ هادی شیرازی حائری می گفت: حجره شیخ عبدالرحیم قمی در مدرسه حسن خان معروف بود.
۲. همچنین خاطره دیگری از آیت‌الله گلپایگانی درباره ارتباط با شیخ عبدالرحیم قمی و حضور در حجره شیخ نقل شده است (مهدی لطفی، نوری از ملکوت، ص ۱۶۸).
۳. منابع شرح حال: من اعلام کربلاء، ص ۸۹؛ مشاهیر المدفونین فی کربلاء، ص ۱۵۵؛ فهرس التراث، ج ۲، ص ۵۳۶؛ معجم رجال الفکر والادب فی کربلاء، ص ۱۲۱؛ تراث کربلاء، ص ۲۰۴؛ حوادث الأيام، ج ۱، ص ۴۸۸؛ سیمای کربلا، ص ۲۲۵؛ تاریخ الحركة العلمیه فی کربلاء، ص ۲۸۲؛ اعلام من کربلاء.
۴. این خاطره در حاشیه یکی از درس‌های ایشان در مهرماه ۹۱ بیان شد.